



تأملی در اصطلاح سرکار فیض آثار

زهرا طلائی^۱

چکیده

در بررسی اسناد با اصطلاحاتی برخورد می‌شود که دانستن مفهوم کاربردی آن نیاز به جستجو دارد. «سرکار فیض آثار» اصطلاحی است که بر سربرگ بخش عمده‌ای از اسناد آستان قدس از دوره صفویه تا قاجاریه نوشته و در متن اسناد نیز ثبت شده است. همین تکرار کاربرد، اهمیت جستجوی مفهوم آن را نمایان می‌سازد.

هدف:

هدف از این جستجو دانستن معنای این دو واژه و یافتن مفهوم کاربردی آن در متون تاریخی، هم چنین علت کاربرد آن در اسناد آستان قدس رضوی است. از دیدگاه‌های پژوهشگران غربی و ایرانی درباره این اصطلاح معلوم می‌شود که بررسی دقیقی درباره آن صورت نگرفته و ضرورت دارد در مورد آن تأمل شود.

روش و رویکرد پژوهش: روش تحقیق در این مقاله، تحلیلی پژوهشی - آرشیمی است و بر اساس مطالعه منابع تاریخی و اسناد انجام شده است.

یافته‌ها و نتایج پژوهش: یافته‌های این جستجو کاربرد اصطلاح یادشده را از دوره صفویه تا قاجاریه برای آستان قدس رضوی و چند آستانه مقدس دیگر در مفهوم «سازمان اداری» نشان می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: سرکار فیض آثار، آستان قدس رضوی، سازمان اداری، آستانه‌های مقدسه، صفوی، قاجار.

۱. دانشجوی دکتری تاریخ و کارشناس پژوهش اسناد.

talaezahra@gmail.com

مقدمه:

در مطالعه اسناد آستان قدس رضوی با کاربرد اصطلاح «سرکار فیض آثار» در سربرگ بسیاری از اسناد از دوره صفوی تا قاجار روبرو می‌شویم. این اصطلاح در متن اسناد نیز به تکرار استفاده شده است، جایی که به «سازمان اداری آستان قدس رضوی» اشاره دارد. اصطلاح «سرکار فیض آثار» مرکب از دو واژه است، برای دانستن مفهوم این اصطلاح و شیوه کاربرد آن در دوره‌های تاریخی یاد شده این مقاله تلاش می‌کند ضمن بررسی مفهوم این دو واژه، دیدگاه‌های پژوهشگران غربی و ایرانی را نیز پیرامون اصطلاح «سرکار فیض آثار» در منابع تاریخی و سپس منابع اداری عصر صفوی شامل دستورالملوک، القاب و مواجب و تذکرةالملوک تشریح کند، پس از آن علاوه بر تعیین کاربرد این اصطلاح برای آستان قدس رضوی، استفاده آن جهت بعضی از آستانه‌های دیگر را مطابق اسناد و منابع موجود، روشن سازد.

واژه «سرکار» در زبان فارسی برای سازمان دربار شاهی، اداره، بخش‌های اداری، کارگاه‌ها و هم چنین برای سمت‌هایی مانند ناظر، ناظم، کارفرما، کارگزار، مباشر و حاکم به کار می‌رفته و هم چنین کاربردی احترام‌آمیز برای تکریم افراد در خطاب مرادف جناب و حضرت داشته، و امروزه هم چنان در عنوان رسمی نظامیان به کار برده می‌شود. این اصطلاح در دو مفهوم اداری سازمان، اداره، ناحیه و بخش یا ناظر، کارگزار و مباشر به صورت هم‌زمان کاربرد داشته است. کاربرد دفتری این اصطلاح در هند و پاکستان «معموره‌ای است که دارای چندین ناحیه و پرگنه باشد» (فرهنگ آنلاین واژه‌یاب). اما در گذر زمان استفاده آن برای سازمان‌ها و بخش‌های اداری از بین رفته و کاربرد اصلی آن بیشتر برای رئیس و مسئول بوده و به تدریج تبدیل به عنوانی احترام‌آمیز در خطاب شده است. در یک سند از دوره قاجار این کاربرد را می‌بینیم: «... اختیار فسخ بقیه مدت با کارکنان سرکار فیض آثار خواهد بود و اخراجات قنوات از کلی و جزئی بر عهده سرکار عالی جاه معظم الیه خواهد بود و به سرکار فیض آثار رجوعی ندارد و صیغه واقع و جاری گردید و کان ذالک تحریراً فی شهر جمادی‌الاولی سنه ۱۲۳۹. (ساکماق: ۳۷۶۲۰). یا در سندی مربوط به پرداخت حق الزحمه یک فراش در محرم سال ۱۳۰۷ ق. آمده است: «... از بابت فراشی درب دارالسیاده مبارکه موقوفه سرکار نواب علی‌یه عالی‌یه انیس‌الدوله دامت شوکتها...» (ساکماق: ۴-۳/۱۵۹۶۵).

لمبتون واژه سرکار را در دوره صفوی به مفهوم دستگاه اداری، حساب و مبلغ تعریف کرده است (لمبتون، ۱۳۶۲: ۷۸۸).

واژه «فیض» اسم مصدر عربی ست، و در معانی سود، بهره معنوی، و بخشش به کار رفته، اما به صورت مجازی توفیق و سعادت معنی می دهد. و بیشترین کاربرد معنایی «آثار» تبعات، پیامدها و نشانه ها، تألیفات و تولیدات فرهنگی است که امروزه هم چنان کاربرد دارد. اصطلاح مورد بررسی «فیض آثار» صفت مرکب است که به تدریج شکل گرفته و استفاده شده است.

بررسی تاریخی کاربرد اصطلاحات «سرکار» و «فیض آثار»

واژه «سرکار» پیش از دوره صفوی با هر دو مفهومی که به آن اشاره شد به کار رفته، به طور مثال در مطلع سعدین و مجمع بحرین، این گونه دیده می شود: «... مزارع و ضیاع خرید و وکلاء و سرکاران مقرر ساخته آن مواضع و مزارع را معمور و مزروع گردانید» (سمرقندی، ۱۳۸۳، ج ۳: ۵۰۰) و یا «... سرکار تون را، سیورغال میرزا علاءالدوله فرمود» (سمرقندی، ۱۳۸۳، ج ۴: ۶۶۷). حبیب السیر نیز که مربوط به اواخر دوره تیموری و اوایل صفوی است، شواهدی از کاربرد این اصطلاح را ارائه می کند: «... مهمات سرکار خلافت را در سلک نظام منتظم ساختند» (خواندمیر، ۱۳۸۰، ج ۲: ۳۰۰) و همچنین «به موجب پروانچه خواجه نظام الملک ضابط و عامل سرکار مرو شد و ملقب به وجیه الملک گشت» (خواندمیر، ۱۳۸۰، ج ۲: ۵۱۳) و یا «در زمان چنگیزخانین جهت سرانجام مهمات سرکار سلطنت...» (خواندمیر، ۱۳۸۰، ج ۳: ۱۷۱)، و نیز «بازاریان و سرکاران و سوداگران غله و اجناس» (خواندمیر، ۱۳۸۰، ج ۴: ۵۲۸). این اصطلاح در سندی در سال ۹۳۵ ق. این گونه دیده می شود: «... سرکار زراعت و باغات و مستغلات و مراعی و مواشی...» (مدرس رضوی، ۱۳۷۸: ۲۴۲).

در وقف نامه تهماسب به سال ۹۵۰ ق. به آستانه ری، اصطلاح سرکار به مفهوم ناظر و یا مباشر به کار رفته به این صورت «حضرت عبدالعظیم علیه آلاف التحیه و التکریم، متولیان عظام و گماشتگان و سرکاران آستانه مقدسه، ذی حجه سنه ۹۵۰» (هدایتی، ۱۳۴۴: ۷۷). این اصطلاح در تذکره الملوک در مفهوم اداره و بخش ثبت شده، مانند سرکار آذربایجان، سرکار خرج، سرکار تفنگچی آقاسی، سرکار جبادارباشی، سرکار خراسان و... (میرزاسمیعا، ۱۳۶۸: ۹، ۱۸، ۲۹، ۳۹، ۸۸، ۹۱).

اصطلاح «فیض آثار» نیز پیش از دوره صفویه کاربرد داشته است به همان معنای صاحب بخشش و کرامت و در ترکیب هایی متعددی مانند: مزار فیض آثار، قبه فیض آثار (روزبهان

خنجی، ۱۳۸۳: ۳۲۸، ۳۴۵ و ۳۴۶)، مجلس فیض آثار (سمرقندی، ۱۳۸۳، ج ۴: ۱۰۳۶)، زبان فیض آثار (روزبهران خنجی، ۱۳۸۳: ۲۶۰)، ضمیر فیض آثار (خواندمیر، ۱۳۸۰، ج ۴: ۴۹۹، ۶۰۵)، و مرقد فیض آثار (روزبهران خنجی، ۱۳۸۳: ۲۵۴). ناگفته نماند، خنجی در مهمان نامه بخارا، از «قبه فیض آثار» یک جا به عنوان آرامگاه خواجه ابوسعید ابی الخیر و بار دیگر به عنوان مرقد امام هشتم علی بن موسی الرضا (ع) یاد کرده است. ترکیب «نیت فیض آثار»، در سندی برای شاه تهماسب به این صورت به کار رفته «... حکم قاطع خلافت لاتزال همواره نیت فیض آثار همایون و همت عالی نهمت کرم شعار... بر ارتفاع ارکان اشاعه خیرات و... ترویج و تنسیق مشاهد مقدسه منوره ائمه هدی و مزارات مطهره اولاد... ایشان... بوده و هست» (مدرسی طباطبایی، ۱۳۶۱: ۱۴۰).

با این حال، بیشترین کاربرد مربوط به «مزار فیض آثار» است، مثلاً در حبیب السیر برای مزارهای خواجه ابوالولید در هرات، امام عالی مقدار حسن بن امیرالمومنین علی، امام بزرگوار موسی کاظم علیه السلام، مختار بن محمد بن احمد هروی در هرات، خواجه عبدالله انصاری و مانند آن به کار رفته است (خواندمیر، ۱۳۸۰، ج ۲: ۲۱۳؛ ج ۳: ۱۰۶؛ ج ۴: ۱۷۴، ۱۸۳، ۱۸۲، ۲۴۲، ۲۴۳، ۳۳۵، ۳۳۷، ۴۸۲) در نقاوة الآثار آمده است: «... [سیل] در جوار مزار فیض آثار معصومه علیها سلام...» (افوشته ای نطنزی، ۱۳۷۳: ۵۳۱). در یک وقف نامه از دوره صفوی این اصطلاح درباره مرقد امام زاده ای در مازندران به کار رفته: «مزار فیض آثار امامزاده واجب التعظیم والتکریم امامزاده صالح بن امام الهمام امام موسی کاظم علیه التحیه و الثنا واقع در دیودون...» (دانش پژوه، فلسفه و کلام، ۱۳۴۵: ۲۵). این اصطلاح هم چنین در مورد بعضی از مزارات متبرکه آقچه، شبرغان و سرپل در سال های ۱۰۹۹ ق. و ۱۱۱۰ ق. ثبت شده است (مبلغ غرjestانی، ۱۳۴۱: ۱۸).

در روضات الجنات در قرن نهم نیز اصطلاح مزار فیض آثار به کار رفته: «مزار فیض آثار گازرگاه». (اسفزاری، ۱۳۳۸، ج ۱: ۱۸۰ و ۲۷۶؛ ج ۲: ۲۲۴) جنابدی هم در روضة الصفویه اصطلاح سرکار را به این ترتیب به کار برده است: سرکار شهریاران، سرکار پادشاهانه، سرکار خاصه شریفه و سرکار خلیل پاشا (جنابدی، ۱۳۷۸: ۱۱۳، ۵۹۴، ۶۷۴).

«سرکار فیض آثار» در منابع تاریخی عصر صفوی

از آن چه تا کنون گفته شد معلوم می‌شود ترکیب اصطلاح «سرکار» با «فیض آثار» به تدریج و در طی زمان اتفاق افتاده و سپس در منابع و اسناد دوره صفوی دیده می‌شود. منابع تاریخی دوره صفوی از کاربرد اصطلاح سرکار فیض آثار، آستانه رضیه رضویه را منظور داشته‌اند، عالم‌آرای شاه اسماعیل وقتی اولین سفر شاه اسماعیل به مشهد را شرح می‌دهد و به حملات اوزبکان به مشهد و غارت اموال آستانه اشاره می‌کند، می‌نویسد: «... به سمع اشرف والا رسیده بود که سپاه شومیه اوزبک، تمامی فرش آستانه متبرکه را با قنادیل طلا و نقره سرکار فیض آثار برده اند» (عالم‌آرای شاه اسماعیل، ۱۳۴۹: ۳۴۷). قمی نیز در خلاصه التواریخ ضمن شرح وقایع سال ۹۹۱ ق، به غارت اموال آستانه اشاره کرده و می‌نویسد: «... شاه کامیاب محمدخان ترکمان مصاحب را تعیین نمود که به حقیقت عرض سرکار فیض آثار بازرسیده، سوای قنادیل از بیوتات آن آستانه مقدسه هرچه برده باشد بدان سرکار موهبت آثار رسانند...» (قمی، ۱۳۸۳، ج ۲: ۷۵۱-۷۵۰).

افزوده‌ای نطنزی به انتصاب قاضی سلطان تربتی خراسانی توسط شاه عباس اول در سال ۱۰۰۷ ق. به سمت: «تولیت آن سرکار فیض آثار...» اشاره کرده است (افزوده‌ای نطنزی، ۱۳۷۳: ۶۰۳). جناب‌دی در یک مورد نیز سرکار فیض آثار را برای مرقد امام هشتم به کار می‌برد (جناب‌دی، ۱۳۷۸: ۵۹۴). واسکندریگ ترکمان (منشی) در عالم‌آرای عباسی چندین مرتبه این اصطلاح را در مورد آستان مقدس حضرت رضا(ع) به کار برده است، مانند: «میرمحمدباقر داماد... در صغرسن در مشهد مقدس معلی واقع شده و در خدمت مدرسان و افاضل سرکار فیض آثار اکتساب علوم نمود» (اسکندریگ ترکمان، ۱۳۸۲، ج ۱: ۱۴۶). و یا «میرسیدعلی شوشتری... بعضی اوقات متولی سرکار فیض آثار رضیه رضویه شد...»، و نیز «متولیان سرکار فیض آثار رضیه رضویه که تا حین حیات شاه جنت مکان هر دو به امر تولیت واجبی و سنتی آن سرکار فیض آثار مشغول بودند میرکمال‌الدین از سادات عظام استرآباد و میرابوالقاسم از سادات خلیفه اصفهان...» (اسکندریگ ترکمان، ۱۳۸۲، ج ۱: ۱۴۹) و هم‌چنین در جای دیگری از تاریخ عالم‌آرای عباسی این اصطلاح برای آستان قدس رضوی ثبت شده است: (اسکندریگ ترکمان، ۱۳۸۲، ج ۱: ص ۱۵۶-۱۵۸، ۱۶۲، ۱۶۴، ۱۶۸، ۱۸۸، ۲۹۴؛ ج ۲: ۳۹۰، ۴۱۲، ۵۲۷، ۵۶۸، ۵۷۸، ۶۱۰؛ ج ۳: ۹۲۸، ۹۴۱، ۹۸۸، ۱۰۰۴، ۱۰۵۳، ۱۰۸۹).

قزوینی نیز در فواید الصفویه، یک نوبت این اصطلاح را برای بارگاه حضرت رضا(ع) به کار

برده است: «عرایض... به سرکار فیض آثار امام ثامن علیه نوشته» (قزوینی، ۱۳۶۷: ۱۵۶). احتشام کویانیان در کتاب خود، دست نوشته قاضی نورالله شوشتری در پشت کتاب تفسیر مختصرالبیان از نسخه های خطی کتابخانه آستان قدس به شماره ۱۹۸ را آورده است که در آن، این اصطلاح به کار رفته: «از جمله کتب کتابخانه سرکار فیض آثار مشهد مقدس معلی است که طایفه ازبکیه از آن جا به غارت برده بودند به واسطه وسائط به هند آورده، حقیر فقیر قربه الی الله آن را با چند جلد کتاب دیگر که از وقف سرکار آن حضرت به دست آمده بود به آن مشهد مقدس فرستاده» (کویانیان، ۱۳۵۴: ۲۹۸).

بنابراین براساس اطلاعات ثبت شده در منابع تاریخی عصر صفوی اصطلاح «سرکار فیض آثار» برای آستان قدس رضوی به کار می رفته است.

«سرکار فیض آثار» در منابع اداری عصر صفوی و نگاه پژوهشگران

اصطلاح «سرکار فیض آثار» علاوه بر این که در منابع تاریخی عصر صفوی ثبت شده، در منابع اداری صفوی، نیز مورد استفاده قرار گرفته است که کاربرد اداری آن را روشن می سازد. میرزا رفیعا سه مرتبه این اصطلاح را در دستورالملوک به کار برده است. او نخستین بار از این اصطلاح، برای حرم امام رضا بهره گرفته است. «در بیان شغل عالی جاه متولی جلیل القدر روضه رضیه رضویه علی مشرفها الف سلام و تحیه، نظم و نسق سرکار فیض آثار از کتابخانه و شربت خانه و دارالشفاء و... با عالی جاه متولی آستانه مقدسه است. و در سنواتی که جمیع املاک و مستغلات سرکار فیض آثار در تصرف و آباد و معمور بود مداخل سرکار فیض آثار... تخمیناً چهارده هزار خروار جنس و سه هزار تومان نقد می نمود...» (میرزا رفیعا، ۱۳۸۵: ۱۷۶-۱۷۵).

در دو نوبت دیگر، میرزا رفیعا این اصطلاح را برای وزیر موقوفات به کار می برد، نخست در توضیح شرح وظایف: «وزیر سرکار فیض آثار که وزیر موقوفات می نامند، شغل او نسق محال و جمع نمودن رعایا و دادن تخم و معونت زراعت و سایر مصالح الاملاک و تکثیر و توفیر زراعات و آبادی محال و داد و ستد وجوهات و تعمیر مستغلات و خانات و حمامات سرکار فیض آثار است. و به تصدیق او و تجویز صدر خاصه بعد از آن که به رقم عالی جاه وزیر دیوان اعلی رسیده باشد، و متصدیان و باغبان باشیان سرکار مزبور که در اصفهان و سایر ولایات ضرور و در کار دارند تعیین و مواجب داده می شود... و هر ساله محصولات محالی که به بذر سرکار فیض آثار زراعت شده بود به اتفاق سایر مأمورین امر بازدید موافق دستور و معمول مملکت به

شرحی که در تحت وزیر اصفهان نوشته شده، بعد از رقم عالی جاه صدر خاصه و رقم عالی جاه وزیر دیوان اعلی نسخه آن را دفتری و از آن قرار مستوفی سرکار مزبور داد و سند می نمود» (میرزافیعا، ۱۳۸۵: ۲۳۳-۲۳۴) و در جای دیگر به بیان وظایف «مستوفی سرکار فیض آثار» پرداخته می نویسد: «شغل او این بود که با چند نفر محرری که دارد به ضبط سررشته مستغلات و اجارات و محصولات و نوشتن نسخه جات کیفیات و بروات و اوراق بازدید و شرط نامجات و تنقیح محاسبات ضابطان و مستأجران و غیره عمال آن سرکار اقدام نموده، بعد از رقم وزیر سرکار مزبور وجوهات متعلقه به سرکار خود را دادوستد نماید» (میرزافیعا، ۱۳۸۵: ۲۷۷). از توضیحات میرزا رفیعا معلوم می شود که وزیر و مستوفی سرکار فیض آثار هر دو زیر نظر صدر خاصه قرار داشته اند.

نصیری در کتاب خود به بیان شرح وظایف وزیر و مستوفی موقوفات چهارده معصوم می پردازد. اگر چه وی هیچ اشاره ای به سرکار فیض آثار نمی کند، اما شرح وظایفی که برای این سمت می نویسد، همان است که میرزا رفیعا برای وزیر و مستوفی سرکار فیض آثار نوشته (نصیری، ۱۳۷۱: ۶۶). در نتیجه هر دو، میرزا رفیعا و نصیری، یک شغل و سمت را معرفی می کنند. بنابراین معلوم می شود از یک مقطع زمانی در دوره صفویه اصطلاح سرکار فیض آثار در مورد موقوفات چهارده معصوم به کار می رفته است. این برداشت با مطالب میرزا سمیعا در تذکره، وقتی که به بیان وظایف صدر خاصه می پردازد تأیید می شود. وی می نویسد صدر خاصه مسئولیت رسیدگی به امور سرکار فیض آثار را برعهده دارد و صدر عامه اجازه هیچ دخالتی در این مهم ندارد. (میرزا سمیعا، ۱۳۶۸: ۲). وی در بیان شرح وظایف مستوفی سرکار فیض آثار، به همان مواردی اشاره می کند که نصیری در القاب و مواجب دوره سلاطین صفوی برای مستوفی موقوفات چهارده معصوم نوشته است (میرزا سمیعا، ۱۳۶۸: ۵۰).

از مجموع مطالب این سه منبع اداری دوره صفوی برمی آید که به جز یک مورد کاربرد آن توسط میرزا رفیعا برای آستان قدس رضوی، اصطلاح سرکار فیض آثار برای اداره موقوفات سلطنتی چهارده معصوم که زیر نظر صدر خاصه بوده، نیز به کار می رفته و این کاربرد بیشتر مورد توجه پژوهشگران غربی که به منابع اداری عصر صفوی عنایت داشته اند، قرار گرفته است. در تأیید کاربرد این اصطلاح برای موقوفات چهارده معصوم، به گزارش قزوینی در فواید الصفویه، استناد می شود، وی با توضیح داستان فتح بغداد در سال ۱۰۳۳ ق. می نویسد: «[شاه عباس] جمیع مال و املاک خود را که به زر حلال خریده بود، که منافع و حاصل آن به هفت

هزار تومان می‌رسید، هر ساله به سرکار فیض‌آثار چهارده معصوم وقف کرده و به متولیان آن روضات متبرکات می‌رسانید» (قزوینی، ۱۳۶۷: ۴۶).

در منابع اداری دوره صفوی که اواخر دوره صفویه و شاید بعد از انقراض آن سلسله نگارش یافته اند، اگرچه چندین بار این اصطلاح به کار رفته است، اما تعریف روشنی از آن ارائه نشده است. می‌توان گفت از پژوهشگران ایرانی به جز بهروز گودرزی، کسی دقت خاصی به این اصطلاح نکرده است، در میان پژوهشگران اروپایی نیز افرادی چون مینورسکی، بوسه و اخیراً مارچینکوفسکی بوده اند که به آن توجه نشان داده‌اند.

مینورسکی در تعلیقات خود بر تذکرة الملوك، در دانستن مفهوم سرکار فیض‌آثار دچار ابهام می‌شود. او ابتدا می‌نویسد در تذکره، هیچ توضیحی در مورد این اصطلاح وجود ندارد. سپس به استناد مطالب اسکندربیگ ترکمان درباره میرزا شکرالله اصفهانی که نوشته به او سِمَت وزارت خراسان همزمان با تولیت سرکار فیض‌آثار داده شده، نتیجه می‌گیرد که منظور از سرکار فیض‌آثار، آستان قدس رضوی است. اما، در ارجاع به میرزا محمد محسن مستوفی که در کتابش *زبدۃ التواریخ*، خود را در سال ۱۱۳۲ ق. ناظر مسجد گوهرشاد و در سال ۱۱۵۴ ق. مستوفی سرکار فیض‌آثار معرفی کرده، نتیجه می‌گیرد که در این زمان قاعدتاً میرزا محمد محسن ارتقاء سمت پیدا کرده، در این جا مینورسکی دوباره دچار اشتباه شده و نتیجه می‌گیرد که این پست همان است که در تذکرة الملوك به آن اشاره شده به عنوان «مستوفی موقوفات سرکار فیض‌آثار» و چون نویسنده تذکره آن را «تحت عمال اصفهان» قرار داده، او حدس می‌زند که سرکار فیض‌آثار باید اداره‌ای باشد که وظیفه اش جمع‌آوری درآمد‌های موقوفات آستان قدس در اصفهان برای مشهد است که شاهان صفوی به اداره مستقیم آن توسط خودشان علاقه داشته‌اند. مینورسکی هم چنین تأکید می‌کند که این اداره زیر نظر صدر خاصه قرار داشته است (مینورسکی، ۱۳۶۸: ۱۴۷).

بنابراین، می‌شود در ادعای مینورسکی تردید کرد، چرا که وی با در نظر گرفتن مطلب اسکندربیگ ترکمان درباره میرزا شکرالله اصفهانی اصطلاح سرکار فیض‌آثار را متعلق به آستان قدس رضوی دانسته و سعی کرده ادعای میرزا محمد محسن مستوفی و مطالب تذکره را به هم مربوط کرده و نتیجه بگیرد منظور از سرکار فیض‌آثار آستانه امام رضا بوده و نوشته مطالب تذکره این معنی را می‌دهد که دو سِمَت وزیر و مستوفی سرکار فیض‌آثار مربوط به اداره‌ای برای موقوفات آستان قدس در اصفهان بوده‌اند که زیر نظر صدر خاصه در تشکیلات دربار قرار داشته‌اند.

اما با توجه به اسناد آستان قدس در این دوره (۱۱۶۰-۱۱۴۰ ق.) متوجه تغییرات ایجاد شده توسط نادر، حاکم خراسان و سپس شاه افشاری، در اداره امور آستانه و مسجد گوهرشاد می‌شویم. نادر «سرکار مسجد گوهرشاد» را که با انتصاب یک ناظر توسط شاه صفوی زیر نظر متولی آستانه اداره می‌شد حذف و آن را نیز زیر نظر مستقیم تولیت حرم امام رضا در آورد و هر دو ذیل عنوان یک «سرکار» قرار گرفتند و محمد محسن مستوفی هم با عنوان «مستوفی سرکار فیض آثار» زیر نظر «متولی آستانه» قرار گرفته و امور استیفای آستانه و مسجد را اداره می‌کرد. ناگفته نماند ترتیبی که محمد محسن با آن ارتقاء مقام پیدا کرده این است که در حالی که قبل از آن فقط نایب ناظر مسجد گوهرشاد بود، به دستور نادر شخص دوم آستان قدس شده بود و امور موقوفات گسترده حضرت رضا و مسجد گوهرشاد به طور هم زمان به استیفای او می‌گذشت (طلایی و محبوب، ۱۳۹۶: ۱۷).

در حکمی از نادر، به این نکته تصریح شده: «هو... رقم به تاریخ شهر شعبان المعظم سنه ۱۱۴۷، آنکه اعوذ بالله تعالی، فرمان عالی شد آن که عالی‌جاه سلاله السادات العظام، میرزا محمد رضای متولی سرکار فیض آثار به توجه خاطر عالی مستظهر و امیدوار بوده بداند که چون مسجد جامع جای عبادت خلق است و در آن جا مردم نماز می‌کنند دیگر ضرور نیست که آن جا نیز عامل و مباشر علی حده داشته باشد، لهذا اختیار سرکار مسجد جامع را نیز به علاوه تولیت به آن عالی‌جاه مرحمت فرمودیم که از روی راستی متوجه انتظام و انساق سررشته هر دو سرکار بوده، حسب الواقع منتظم و حسن‌کاردانی و اهتمام و جوهر ذاتی خود را بیشتر از پیشتر ظاهر و هویدا ساخته، کوتاهی و تهاونی به ظهور نرساند و چون هر دو سرکار یکی باشد، وزارت سرکار مسجد را نیز به علاوه وزارت سرکار موهبت مدار به نجابت و رفعت و معالی پناه کمالات دستگاه میرزا محسن وزیر سرکار فیض آثار و خدمت استیفای سرکار فیض آثار را به علاوه استیفای سرکار مسجد جامع به نجابت و رفعت و معالی پناه نظاماً للنجابة میرزا محسن نایب النظاره سرکار مسجد مرحمت فرمودیم که هر دو از روی اخلاص و درست‌قلمی متوجه هر دو سرکار شده حسن خدمت و کفایت رسانی خود را جلوه‌نمای عرصه ظهور رساند و مواجب وزارت و نجابت پناه میرزا محسن وزیر هر دو سرکار، همان مبلغ بیست تومان نقد و هشتاد خورار غله کافی است...» (ساکماق: ۳۵۳۶۱/۱). بنابراین میرزا محمد محسن مستوفی، در زمان ارتقاء سمت خود از نایب النظاره‌گی مسجد گوهرشاد به «وزارت سرکار فیض آثار و مستوفی آستان قدس و مسجد گوهرشاد» منصوب شده بود.

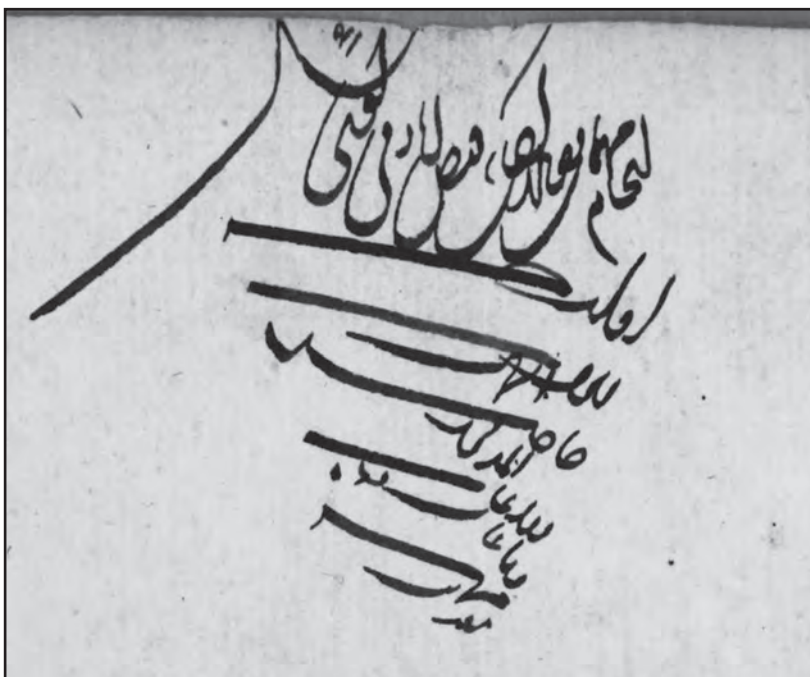
بوسه در مورد اصطلاح سرکار فیض آثار بحثی نکرده و فقط به استناد دو سند از سندهایی که در کتاب خود منتشر کرده این اصطلاح را منحصر به املاک موقوفات امام رضا دانسته است (بوسه، ۱۳۶۷: ۳۰۸، ۳۰۶).

در توضیح سرکار فیض آثار، مارچینکوفسکی معقد است که به همه موقوفاتی که حکام صفوی مدعی تولیت آن بوده اند اطلاق می‌شده و می‌گوید ممکن است سرکار فیض آثار یک عنوان افتخاری بوده است (مارچینکوفسکی، ۱۳۸۵: ۳۴۹-۳۴۸). در برداشت بوسه و مارچینکوفسکی «سرکار فیض آثار» اختصاص به موقوفات حرم امام رضا پیدا می‌کند که تا حدی به اصل مفهوم آن نزدیک است، اما خود آن نیست.

از میان پژوهشگران ایرانی، احسان اشراقی نیز در مقدمه ای که بر تصحیح نقاوه الآثار نوشته، درباره این اصطلاح نوشته که از مشاغل عصر صفوی است که در تذکرة الملوك تعریفی درباره آن ارائه نشده و سپس به استناد تعلیقات مینورسکی بر تذکره، می‌نویسد که: «دائرة عواید محلی شهرهای متبرکه است که زیر نظر صدر خاصه انجام وظیفه می‌کند» (افوخته ای نطنزی، ۱۳۸۳: ۴۶). صفت گل می‌نویسد: «نویسنده تذکرة الملوك درباره وزیر موقوفات به عنوان وزیر سرکار فیض آثار سخن می‌گوید» و بحثی درباره این اصطلاح نمی‌کند (صفت گل، ۱۳۸۱: ۳۵۵). اما بهروز گودرزی به اصطلاح «سرکار فیض آثار» توجه نشان داده و معتقد است این اصطلاح یکی از نام‌های تشکیلات آستان قدس رضوی در کل دوره صفویه بوده و شواهدی را برای آن ارائه کرده است (مستوفی، ۱۳۷۵: ۱۴).

«سرکار فیض آثار» یا سازمان اداری آستان قدس رضوی

برای اثبات کاربرد اصطلاح «سرکار فیض آثار» برای سازمان اداری آستان قدس رضوی، علاوه بر اطلاعاتی که در منابع ثبت شده است، بهترین گواه اسناد تشکیلات اداری این حرم مطهر از دوره صفویه تا اواخر قاجار می‌باشد. همان طور که ابتدای مطلب اشاره شد، این اصطلاح بر سربرگ عمده اسناد آستانه از دوره صفویه تا قاجار به آمده است. در اسناد آستان قدس مفهوم «سرکار» به طور مشخص سازمان به معنای امروزی را نشان می‌دهد. به عنوان مثال کاربرد آن در تصویر سند مربوط به سال ۱۰۳۸-۱۰۳۷ به این صورت دیده می‌شود (ساکماق: ۳۱۷۸۱).



[هو،]

انجام مهمات معاملات سرکار فیض آثار، فی لوی نیل

اوارج _____ه

ابواب _____المال

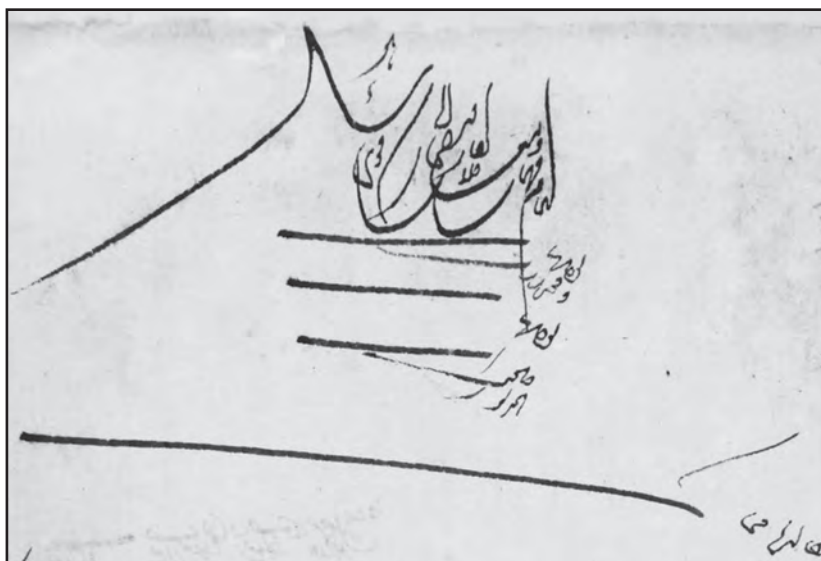
حاصل _____المذكور

_____زراعات

_____وباغات و غیره

مشهد مقدس

و مثال دیگر، سندی ست از سال ۱۱۰۳ق، (ساکماق: ۳/۳۲۵۱۲)



هو

انجام مهمات معاملات سرکار فیض آثار سنه قوی نیل

توجیہات

و مقررات

توجیہات

صورت

المذکور

نمونه‌هایی از کاربرد اصطلاح «سرکار فیض آثار» در عنوان اسناد آستان قدس
از صفویه تا قاجاریه

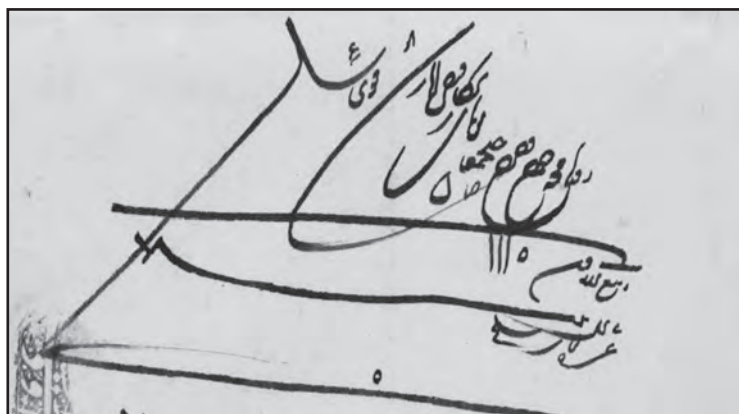
عنوان	شماره سند
مداخل و مخارج سرکار فیض آثار. صورت عواید نقدی و جنسی آستان قدس و مخارج صورت گرفته از محل آن. ۱۰۱۱ق.	۳۵۹۰۲
تفصیل در و پنجره و چوب و باغات سرکار فیض آثار. ۱۰۱۲ق.	۸۲۴۸۱

تحویل وجه نقد به خواجه محمد، خازن سرکار فیض آثار از بابت بهاء نخود حاصل مزرعه رادکان. ۱۰۸۲ق.	۸۲۴۸۵
سیاهه جمع محالی که وجوه آن به دفتر سرکار فیض آثار رضوی نرسیده است. ۱۰۸۶-۱۰۸۵ق.	۱۷۵۴۱۳
روزنامهچه جمع و خرج صاحب جمعان شماعی خانه سرکار فیض آثار. ۱۱۲۹	۱۷۵۴۱۷
صورت جمع و خرج، مفرده من ذلک، سرکار فیض آثار، پرداخت اجرت صفاری مسینه آلات و بهای لوازم و اجناس موردنیاز و مصرف یخ در آستان قدس. ۱۱۵۲-۱۱۵۱ق.	۳۵۶۶۴
توجیهات و مقررات، توجیهات، سرکار فیض آثار، صرف یخ، صورت مصرف یخ سقاخانه جدید سلطانی و پرداخت هزینه آن. ۱۱۵۹-۱۱۵۸ق.	۳۵۶۸۷
صورت جمع و خرج سرکار فیض آثار، صورت. ۱۱۶۴-۱۱۶۳ق.	۳۶۱۵۶
سرکار فیض آثار، مفرده، من ذلک، مواجب، پرداخت مواجب عمال آستان قدس. ۱۱۷۶-۱۱۷۵ق.	۳۶۵۰۵
هزینه‌های مربوط به نخل‌بندی سرکار فیض آثار رضوی. ۱۱۸۲ق.	۱۷۵۵۰۵
سررشته، معاملات، سرکار فیض آثار، قراردادهای اجاره و مقاطعه اراضی و مزارع موقوفه آستان قدس. ۱۲۲۸ق.	۳۷۵۹۷
صورت معاملات سرکار فیض آثار، توجیهات و مقررات، توجیهات، پرداخت مواجب حفاظ حرم و حفاظ دور. ۱۲۵۲ق.	۳۷۹۰۸
سررشته، معاملات، سرکار فیض آثار، ابتیاع، خرید لوازم و اجناس مورد نیاز بخش‌های مختلف آستان قدس. ۱۲۷۰ق.	۳۹۵۳۲
سررشته معاملات سرکار فیض آثار، مواجب پرداخت مواجب کارکنان آستان قدس. ۱۲۶۹ق.	۳۹۵۴۵
مصالحه یک رشته قنات رکن‌آباد سبزواری موقوفه رکن‌الدوله به میرزا احمد معتمدالتولیه وزیر سرکار فیض آثار توسط رکن‌الدوله. ۱۳۱۵ق.	۱۲۰۳۴۷

مخارج تعمیراتی بنایی روشن‌آوند موقوفه سرکار فیض‌آثار در گناباد در ماه ذی‌قعدة. ۲۹۹۰۵
۱۳۲۸ ق.

مخارج تعمیراتی متفرقه سرکار فیض‌آثار در ماه‌های ربیع‌الثانی و جمادی‌الاول و
جمادی‌الثانی. ۱۳۳۰ ق. ۲۹۸۶۲

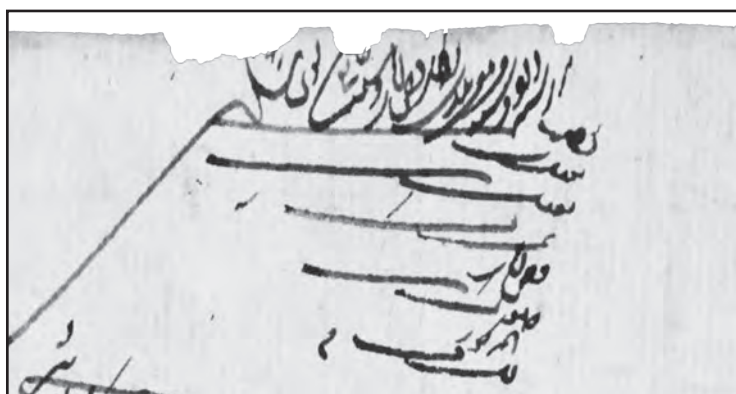
مثالی دیگر مربوط به ربیع‌الاول سال ۱۱۱۵، (ساکماق: ۳۴۳۷۰ / ۹):



هو،

روزنامه‌چه جمع و خرج صاحب جمعان بیوتات سرکار فیض‌آثار سنه قوی ئیل

سندی دیگری از دوره افشاریه، در سال ۱۱۶۲-۱۱۶۱ (ساکماق: ۳۲۰۹۱ / ۴۱)



[هو،]

سررشته داد و ستد و معاملات سرکار فیض آثار و مسجد جامع، سنه لوی نیل

توجیہات

ومقررات

مقررات

سرکار

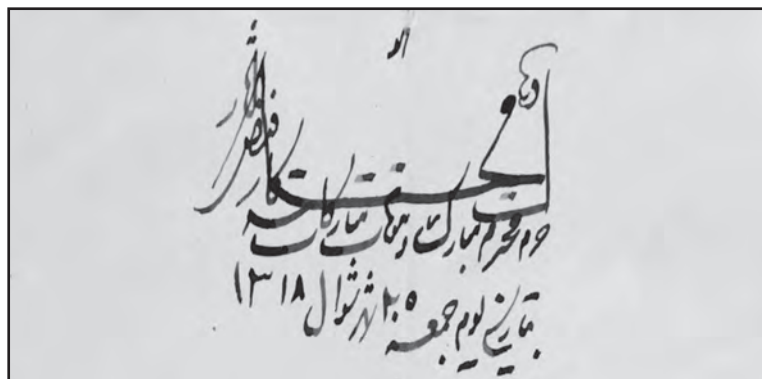
فیض آثار

صورت

المذکور

ارقم

و یک نمونه از اسناد دوره قاجاریه سال ۱۳۱۸ ق (ساکماق: ۴۲۳۳۱/۲۴):

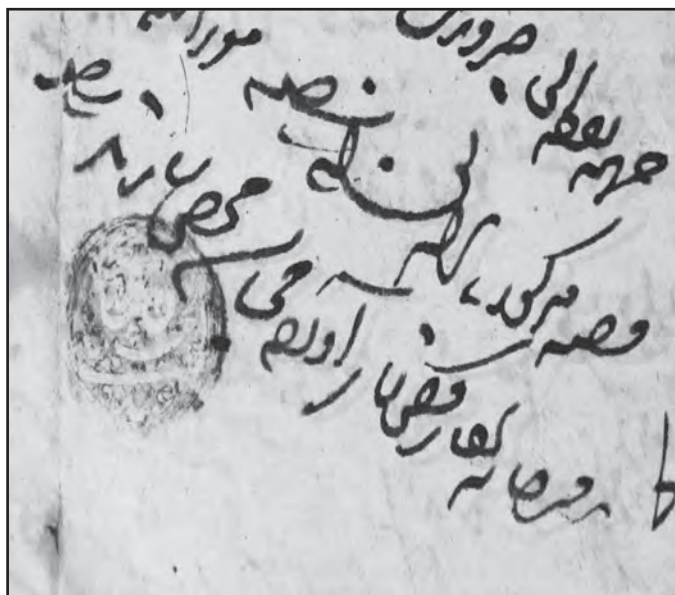


هو،

روزنامچ

حرم محترم مبارک و بیوتات مبارکات سرکار فیض آثار

علاوه بر این، در متن اسناد نیز این اصطلاح ثبت شده، مانند (ساکماق: ۲۲۶۲۰/۱۹)



اصطلاح «دفترخانه سرکار فیض آثار» ابتدای سطر آخر دیده می‌شود. این سند قبض وصول هزینه تعمیرات قنات فرهادجرد، در سال ۱۰۱۱ ق، می‌باشد.

«سرکار فیض آثار» در سجع مهر بعضی از کارکنان آستانه هم دیده می‌شود، به عنوان مثال: مهر «وما توفیقی الا بالله عبده شیخ علی... سرکار فیض آثار» در سندی مربوط به سال ۱۰۲۰ ق. (ساکماق: ۲۱ / ۴۴۷۶۵)، و یا «مهر مبارک سرکار فیض آثار، ۱۲۸۳» در سندی با سال ۱۳۰۴ ق. (ساکماق: ۳ / ۲۰۵۷۶)، و مهری با نوشته «نیابت مستقلة دربار سرکار فیض آثار حسین الحسینی، ۱۳۱۶» در سندی با تاریخ ۱۳۲۴ ق. (ساکماق: ۲ / ۱۹۴۸۳)، هم چنین مهری با متن: «اولیای دفتر سرکار فیض آثار، ۱۳۲۹» و در سندی با سال ۱۳۲۹ ق، (ساکماق: ۷۰ / ۱۸۰۰۱).

در اسناد آستان قدس اصطلاح «سرکار» علاوه بر اینکه برای سازمان اداری این آستانه به کار رفته، برای بخش تعمیرات نیز کاربرد داشته است و اصطلاحاتی از این دست در اسناد دیده می‌شود: «سرکار عمارت» و مسئول این بخش با عنوان «سرکاردار عمارت»، «سرکاردار تعمیرات» (ساکماق: ۱۶۶۲)، «سرکاردار» (ساکماق: ۲۷۵۰۸ و ۲۲۶۲، ۲۲۶۲۵).

جدای از اسناد آستان قدس، اسناد منتشر شده در کتاب‌هایی دیگر نیز کاربرد این اصطلاح را برای آستان قدس رضوی نشان می‌دهد. به عنوان نمونه سند منتشر شده در کتاب شجره طیبه، که فرمان شاه عباس اول به سال ۱۰۱۰ ق. است: «... املاکی که از قیمت الماس جهت

سرکار فیض آثار خریداری نموده‌اند...» (مدرس رضوی، ۱۳۸۴: ۲۵۱) و نیز اسنادی در کتاب سالشمار وقایع مشهد (مدرس رضوی، ۱۳۷۸: ۲۶۲، ۲۶۸، ۲۷۰، ۲۷۲). اسنادی هم با تاریخ ۹۳۲ ق. و ۱۰۱۷ ق. در کتاب سادات رضوی ارائه شده که استفاده این اصطلاح برای آستان قدس را نشان می‌دهد (حسن‌آبادی، ۱۳۸۷: ۳۰۰، ۳۰۹).

«سرکار فیض آثار» عنوان سایر آستانه‌های مقدسه در ایران

با همه این احوال و مستندات، اسناد و منابع شواهدی ارائه می‌دهند که این اصطلاح برای آستانه‌های دیگری هم به کار می‌رفته است.

اسنادی که مدرسی طباطبایی در کتاب تربت پاکان منتشر کرده، کاربرد این اصطلاح را در مورد آستانه حضرت معصومه (س) از دوره صفویه نشان می‌دهد، به عنوان نمونه در مثال صدر شاه عباس دوم، میرزامهدی اعتمادالدوله به «عمله و فعله سرکار فیض آثار» حرم حضرت معصومه اشاره شده است (مدرسی طباطبایی، ۱۳۳۵، ج: ۱: ۱۱۵). در وقف نامه کتابی توسط شاه سلیمان بر این آستانه در تاریخ ۱۲ رجب ۱۰۸۵ ق، نوشته شده: «وقف کتاب بر کتابخانه سرکار فیض آثار» (مدرسی طباطبایی، ۱۳۳۵، ج: ۱: ۱۶۳).

هم چنین در مثالی از میرزا مهدی اعتمادالدوله، صدر عباس دوم خطاب به میر محمد سعید متولی آستانه مزبور، سه نوبت به اصطلاح سرکار فیض آثار در مورد این آستانه اشاره کرده است (مدرسی طباطبایی، ۱۳۳۵، ج: ۱: ۲۳۴). در فرمان واگذاری منصب کلیدداری این آستانه هم نوشته شده: «منصب کلیدداری سرکار فیض آثار... آستانه منوره سنی حضرت معصومه» (مدرسی طباطبایی، ۱۳۳۵، ج: ۱: ۲۵۶)، در فرمان واگذاری منصب استیفا آستانه حضرت معصومه به میرزا محمد ابراهیم قمی در سال ۱۱۳۶ ق. آمده است: «چون در این وقت نجابت و رفعت و معالی پناه ظهیرا میرزا محمد ابراهیم قمی مستوفی سابق سرکار فیض آثار به عرض رسانید...» (مدرسی طباطبایی، ۱۳۵۵، ج: ۱: ۲۶۰). همچنین در نسخه مداخل و مخارج سال ۱۱۳۹ ق. (مدرسی طباطبایی، ۱۳۳۵، ج: ۱: ۳۵۵-۳۶۰)، نسخه جمع و خرج در سال ۱۱۴۷ ق. (مدرسی طباطبایی، ۱۳۳۵، ج: ۱: ۱۳۱)، به طور کلی کاربرد این اصطلاح تا اواخر دوره قاجار در اسناد ارائه شده دیده می‌شود.

در وقف نامه شاهزاده زینب بیگم دختر شاه تهماسب به تاریخ ۹۹۷ ق، آستانه شاه عبدالعظیم حسنی در ری «سرکار فیض آثار» خطاب شده (هدایتی، ۱۳۴۴: ص ۹۴)،

همچنین در فرمانی از اشرف افغان برای انتصاب تولیت به تاریخ ۱۱۴۰ ق، آن آستانه «سرکار فیض آثار» نامیده شده است (هدایتی، ۱۳۴۴: ۴۶). بعدها، در دوره قاجاریه موارد دیگری از این خطاب در مورد آستانه عبدالعظیم دیده می‌شود (هدایتی، ۱۳۴۴: ۳۵، ۴۶، ۱۰۹، ۱۱۱). آستانه دیگری که بر اساس اسناد، اصطلاح «سرکار فیض آثار» برای آن به کار رفته، آستانه شاهزاده حسین در قزوین است. اسناد متعددی در کتاب برگی از تاریخ قزوین شامل فرمان‌ها، وقف‌نامه‌ها و اسناد اداری ارائه شده که کاربرد این اصطلاح برای آستانه قزوین را نشان می‌دهد، مانند کاربرد این اصطلاح در فرمان شاه سلطان سلطان حسین به سال ۱۱۰۶ ق: «... قریه دستجرد وقفی سرکار فیض آثار...» (مدرسی طباطبایی، ۱۳۶۱: ۱۸۳۹) و یا در فرمان شاه اسماعیل سوم به تاریخ ۱۱۶۴ ق: «... و تمامی موقوفات و مستمریات و سیورغال سرکار فیض آثار و سیورغالات و مقرری متولی جلیل القدر و وظایف خدام آن سرکار فیض آثار...» (مدرسی طباطبایی، ۱۳۶۱: ۲۳۵). همچنین: «حکم والا شد. آن‌که چون عالی جناب متولی آستانه سرکار فیض آثار امام زاده واجب التعظیم...، ربیع‌الثانی سال ۱۲۱۸» (مدرسی طباطبایی، ۱۳۶۱: ۲۶۱) و سایر اسناد از دوره قاجار (مدرسی طباطبایی، ۱۳۶۱: ۲۶۵، ۲۷۵، ۳۷۴).

آستانه صفویه اردبیل، آستانه دیگری است که «سرکار فیض آثار» نامیده شده. در عالم‌آرای عباسی آمده است: «تولیت سرکار فیض آثار حضرت سلطان‌الاولیا به فرهاد خان تفویض یافت» (اسکندریگ ترکمان، ۱۳۸۲، ج ۲: ۴۵۴). دانش‌پژوه نیز در معرفی مجموعه صریح الملک به شماره ۲۷۳۴، از آستانه شیخ صفی‌الدین در اردبیل، بخش‌هایی از آن را آورده که این عبارت‌ها در آن دیده می‌شود: «از بابت تحویل مقرب الحضرة کتابدارباشی از قرار قبض به عالی قدر رفیع مقدار متولی جلیل القدر سرکار فیض آثار سپرده شد، تحریراً فی ۱۷ شهر جمادی الثانیه ۱۰۱۱». «... مجملاً چون به تاریخ شهر سنه خمس و سبعین و تسع مائه... بعد از نظم و نسق این سرکار گردون پرگار فیض آثار و رواج و رونق این عتبه علیه الانوار به وجهی که مرضی خاطر اشرف اقدس نواب کامیاب... به خاطر گذرانید که صریح الملکی جامع جمیع املاک و رقبات منسوبه بدین آستان... درست دارد...» (دانش‌پژوه، ۱۳۴۷: ۱۱۰-۱۱۱).

در پایان بحث بررسی اصطلاح «سرکار فیض آثار»، اشاره به کاربرد آن در فواید‌الصفویه برای کمپانی انگلیسی در هند به سال ۱۲۱۵ ق. خالی از لطف نیست: «... فرمود که خرج بزرگان آن حضرت را از سرکار فیض آثار ملک التجار کمپانی دام اقبالهم، ماه به ماه می‌رسانیده باشند و

...» (قزوینی، ۱۳۶۷: ۱۲۰). این کاربرد شاهدهی است برای تبدیل اصطلاح سرکار فیض آثار به عنوانی احترام‌آمیز با کاربرد عمومی برای سایر مؤسسه‌ها به غیر از آستانه‌های مقدسه.

نتیجه‌گیری:

از مجموع مطالب منابع و بررسی‌های صورت گرفته در اسناد معلوم می‌شود که کاربرد اصطلاح «فیض آثار» ابتدا جنبه احترام‌آمیز داشته و در موارد متعدد از جمله برای مزارهای مقدس به کار می‌رفته است. در دوره صفوی، به تدریج با شکل‌گیری سازمان‌های اداری مستقل «سرکار»، برای چند آستانه مقدس شامل: آستان مقدس حضرت رضا(ع)، آستانه حضرت معصومه(س)، آستان حضرت عبدالعظیم(س)، آستانه امام زاده حسین(س)، هم‌چنین آستانه صفویه در اردبیل، اصطلاح «فیض آثار» در بیان و ثبت اداری در مفهوم احترام‌آمیز آن به کار رفته و بعدها جزوی از عنوان آن شده است. در مقطعی از دوره صفویه اصطلاح «فیض آثار» با همان مفهوم احترام‌گونه، برای سازمان اداری موقوفات سلطنتی چهارده معصوم به کار رفته است.

نکته دیگر این‌که کاربرد آن در اسناد سازمان اداری آستان قدس رضوی از دوره صفوی تا قاجار با توجه به انواع اسناد موجود و در دسترس این سازمان، جدای از وقف‌نامه‌ها یا فرامین شاهان، مستند می‌شود. البته اسناد ارائه شده در کتاب برگگی از تاریخ قزوین هم کاربرد اصطلاح سرکار فیض آثار را در انواع اسناد اداری، علاوه بر فرمان‌ها نشان می‌دهد. اما اسناد ارائه شده در مورد آستانه ری، به طور عمده فرمان یا وقف‌نامه هستند، شواهد کمتری از تنوع اسناد و کاربرد این اصطلاح در اختیار مخاطب می‌گذارند.

منابع

- ابوالحسن قزوینی (۱۳۶۷). فواید الصفویه، مریم میراحمدی، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی. احتشام کاویانیان، محمد (۱۳۵۴). شمس‌الشموس یا انیس‌النفوس، مشهد: بی‌نا.
- اسکندریبگ ترکمان (۱۳۸۲). تاریخ عالم‌آرای عباسی، تصحیح ایرج افشار، تهران: امیرکبیر.
- افوشته‌ای نطنزی، محمود بن هدایت‌الله (۱۳۷۳). نقاوة الآثار فی ذکرا لاختیار فی تاریخ الصفویه، تصحیح احسان اشراقی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- بوسه، هریرت (۱۳۶۷). پژوهشی در تشکیلات دیوان اسلامی، بر مبنای اسناد دوران آق‌قویونلو و قراقویونلو و صفوی، ترجمه غلامرضا وره‌رام، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

(بی نا)، (۱۳۴۹). عالم‌آرای شاه اسماعیل، مصحح اصغر منتظر صاحب، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

جناب‌دی، میرزا بیگ (۱۳۷۸). روضه‌الصفویه، تصحیح غلامرضا طباطبایی مجد، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.

حسن‌آبادی، ابوالفضل (۱۳۸۷). سادات رضوی مشهد از آغاز تا پایان قاجاریه، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.

خنجی، فضل‌الله بن روزبهان (۱۳۸۳). مهمان‌نامه بخارا، تصحیح منوچهر ستوده، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

خواندمیر، غیاث‌الدین بن همام‌الدین (۱۳۸۰). تاریخ حبیب‌السیر، تهران: خیام.

دانش‌پژوه، محمدتقی (۱۳۴۵). «آستانه‌های مازندران»، معارف اسلامی: فلسفه و کلام، شماره ۲.

دانش‌پژوه، محمدتقی (۱۳۴۷). «وقفنامه روستای الاروق اردبیل و کشت زار کوسویر در سال ۹۴۷ به آستانه شیخ صفی‌الدین اردبیلی»، معارف اسلامی: فلسفه و کلام، شماره ۶.

زمچی اسفزاری، معین‌الدین (۱۳۳۸). روضات‌الجنات فی اوصاف مدینه هرات، تصحیح سید محمدکاظم امام، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

صفت‌گل، منصور (۱۳۸۱). ساختار نهاد و اندیشه دینی در ایران عصر صفوی، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.

طلایی، زهرا، محبوب فریمانی، الهه (۱۳۹۶). گزیده اسناد مسجدگوه‌رشاد از صفویه تا قاجاریه، مشهد: سازمان کتابخانه‌ها موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی.

عبدالرزاق سمرقندی، کمال‌الدین (۱۳۸۳). مطلع‌سعیدین و مجمع‌بحرین، تصحیح عبدالحسین نوایی، تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۳.

فرهنگ آن‌لاین واژه‌یاب.

قزوینی، ابوالحسن (۱۳۶۷). فواید‌الصفویه، ابوالحسن، مصحح مریم میراحمدی، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

قمی، قاضی‌احمد (۱۳۸۳). خلاصه‌التواریخ، تصحیح دکتر احسان اشراقی، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.

لمبتون، ا.ک. س (۱۳۶۲). مالک و زارع در ایران، ترجمه منوچهر امیری، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

مبلغ غرجستانی، محمدابراهیم (۱۳۴۱). «بعضی از مزارات متبرکه آقچه و شبرغان و سرپل»، آریانا، ش ۲۳۵.

مدرس رضوی، محمدتقی (۱۳۷۸). سالشمار وقایع مشهد در قرن‌های پنجم تا سیزدهم، به کوشش ایرج افشار، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.

مدرس رضوی، محمدتقی (۱۳۸۴). شجره طیبه، در انساب سادات سلسله علویه رضویه، تصحیح

سیدمهدی سیدی، مشهد: انتشارات آهنگ قلم.

مدرسی طباطبایی، حسین (۱۳۳۵). تربیت پاکان، ج ۱، قم: چاپخانه مهر.

مدرسی طباطبایی، حسین (۱۳۶۱). برگی از تاریخ قزوین، تاریخچه ای از آستانه شاهزاده حسین و دودمان سادات مرعشی قزوین، قم: کتابخانه عمومی حضرت آیت الله نجفی مرعشی.

مستوفی، محمدمحسن (۱۳۷۵). زبدة التواریخ (مقدمه)، تصحیح بهروزگودرزی، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.

میرزا رفیعا (۱۳۸۵). دستورالملوک، به کوشش و تصحیح محمداسماعیل مارچینکوفسکی، ترجمه علی کردآبادی، تهران: مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی.

میرزا سمیعا (۱۳۶۸). تذکره الملوک، به کوشش محمد دبیرسیاقتی، تهران: انتشارات امیرکبیر.

مینورسکی، ولادیمیر (۱۳۶۸)، سازمان اداری حکومت صفوی یا تعلیقات مینورسکی بر تذکره الملوک، ترجمه مسعود رجب نیا. ضمیمه تذکره الملوک، تهران: امیرکبیر.

نصیری، میرزا علی نقی (۱۳۷۲). القاب و مواجب دوره سلاطین صفوی، تصحیح یوسف رحیم لو. مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی.

هدایتی، محمدعلی (۱۳۴۴). آستانه ری، مجموعه اسناد و فرامین، تهران: شرکت سهامی افست.